



بیانات رهبر انقلاب در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ابي القاسم المصطفى محمد و على
آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيه الله في الارضين.

روز شیرین و زیبایی است برای من در میان شما جوانان عزیز و انقلابی با دل‌های پاک و
جان‌های پرانگیزه که حقیقتاً برای آینده‌ی این کشور و آینده‌ی این انقلاب امیدهای فراوانی
را شما به وجود می‌آورید. اولاً میلاد مسعود قطب عالم امکان حضرت مهدی (عجل الله فرجه
وارواحنه فداه) را تبریک عرض می‌کنم؛ ان شاء الله همه‌تان امروز و فردا جزو منتظران واقعی
و یاران حقیقی آن بزرگوار باشید.

○ سوم خرداد، نماد پیروزی حق بر باطل و نماد قدرت الهی

روز سوم خرداد هم از روزهای فراموش‌شدنی نیست؛ از روزهایی است که در تاریخ کشور

ما و در تاریخ انقلاب اسلامی عزیز ایران این روز میدرخشد. نماد است؛ نماد پیروزی حق بر باطل و نماد قدرت الهی و دست قدرتی که امام بزرگوار فرمودند: دست قدرتی دارد ما را حمایت میکند. چنین روزی است روز سوم خرداد و روز آزادی خرمشهر. به شما فارغ‌التحصیلان عزیز، همچنین به شما سردوشی بگیران عزیز تبریک عرض میکنم. راه خوبی را آغاز کرده‌اید؛ وارد مسیر خوبی شده‌اید؛ خداوند به شما توفیق بدهد ان شاءالله؛ این راه را با جدیت، با عزم راسخ، با انگیزه‌ای مضاعف ان شاءالله پیش ببرید.

● جشن عمومی خودجوش مردم در روز فتح خرمشهر

در مورد فتح خرمشهر، اغلب شما جوانها آن روز نبودید یا اگر هم بودید کودک بودید خیلی، کوچک بودید؛ روز فتح خرمشهر حادثه‌ی عظیمی بود. شاید هنوز چند ساعت از خبر نگذشته بود که بنده از [ساختمان] ریاست جمهوری میرفتم طرف بیت امام که خدمت امام (رضوان الله تعالی علیه) برسم. در این خیابان و سر راه، مردم غوغا کرده بودند؛ مثل یک راه‌پیمایی، مثل یک تظاهرات [بود]. ماشین ما را که میدیدند، می‌آمدند جلو تبریک میگفتند. در همه‌ی کشور یک جشن عمومی خودجوش به وجود آمد؛ مسئله این قدر مسئله‌ی مهمی بود.

● فتح خرمشهر، حادثه‌ای بزرگ و ثمره‌ی فداکاری‌ها و تلاشهای عجیب و باورنکردنی

البته مردم آن روز غالباً نمیدانستند چه اتفاقی افتاده است که این فتح به وجود آمده. از آن فداکاری‌ها، از آن ریزه‌کاری‌ها، از آن تلاشهای عجیب و باورنکردنی، مردم اطلاع نداشتند؛ امروز هم خیلی‌ها اطلاع ندارند. من توصیه میکنم این کتابهایی که درباره‌ی جزئیات عملیات «الی بیت المقدس» هست که به فتح خرمشهر منتهی شد، همچنین بقیه‌ی عملیات - «فتح المبین» و دیگر عملیات - را همه بخوانند؛ بخوانند و ببینند چه اتفاقی

افتاده. بنده یک وقتی تشبیه کردم دفاع مقدّس را به یک تابلوی خیلی بزرگ و باشکوهی که آن بالا نصب کرده‌اند؛ ما از این پایین آن تابلو را می‌بینیم و تحسین میکنیم؛ اما اگر نزدیک برویم، ریزه کاری‌هایی که در این تابلو به کار رفته، هنرمندی‌هایی که به کار رفته، جزئیاتی که در این تابلو هست، آن به هم آمیختگی رنگهای مختلف، نقشهای مختلف، قلمهای مختلف را ببینیم، ده برابر تحسین ما بیشتر خواهد شد. این کتابهایی که نوشته‌اند، این جزئیات را در واقع برای ما که از دور این تابلو را دیده‌ایم، تشریح میکنند. خب، حادثه‌ی بزرگی بود.

○ درس امام (ره) در فتح خرمشهر به ما: قدرت الهی، عقبه‌ی لشکر فعال و ملت فداکار

اما بزرگ‌تر از این حادثه، این بود که امام (رضوان الله علیه) - آن مرد خدا، آن حکیم الهی به معنای واقعی کلمه - وقتی خرمشهر آزاد شد، وقتی این همه مجاهدت به بار نشست، این همه جوانها عرق ریختند، این همه شهید دادیم، این همه زحمت کشیدیم، فرمود که خرمشهر را خدا آزاد کرد؛ خرمشهر را خدا آزاد کرد! این مهم است؛ معنای این چیست؟ معنای این آن است که اگر شما مجاهدت کردید، قدرت خدا می‌آید پشت شما. لشکر بی عقبه، کاری نمیتواند بکند؛ لشکری که عقبه دارد، [نیروی] احتیاط دارد، نیروی ذخیره‌ی فراوان دارد، همه کار میتواند بکند. حالا اگر لشکری عقبه‌اش، ذخیره‌اش عبارت بود از قدرت الهی، این لشکر دیگر شکست بخور است؟ امام این را به ما فهماند؛ فهماند که وقتی مجاهدت میکنید، وقتی تنبلی نمیکنید، وقتی وارد میدان میشوید، وقتی نیروهای خودتان را به صحنه وارد میکنید، اینجا قدرت خدا است که پشت سر شما است، [لذا] خرمشهر را خدا آزاد میکند. با این منطق، همه‌ی دنیای مسخر استکبار را هم خدا میتواند آزاد کند. با این منطق، فلسطین هم میتواند آزاد بشود. با این منطق، هر ملّتی میتواند مستضعف نماند؛ به شرطی که این منطق تحقق پیدا کند. وقتی ما این منطق را داشتیم،

شکست ناپذیر می‌شویم. وقتی با این منطق وارد میدان شدیم، ترس و مرعوب شدن [نخواهد بود]؛ قدرت نظامی یا تبلیغاتی یا پولی و مالی و اقتصادیِ قدرتها در مقابل ما، دیگر ترسناک و هولناک نخواهند بود؛ متکی هستیم به قدرت خدا. البته قدرت خدا پشت سر آدمهای تنبل نمی‌آید؛ پشت سر ملت‌هایی که حاضر نیستند فداکاری کنند نمی‌آید. قدرت خدا پشت سر آن کسانی می‌آید که وارد میدان میشوند، حرکت میکنند، تلاش میکنند، خودشان را برای همه کار آماده میکنند؛ اینها متکی اند به قدرت الهی. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكٰفِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ؛ (۲) این آیه‌ی قرآن است؛ خدا، مولای شما است؛ شما مولایی دارید که همه‌ی عالم وجود تحت قدرت او است؛ این مولای شما است و کافرین ندارند.

در جنگ بدر وقتی که کفار بنا کردند شعار دادن و بت‌های خودشان را اسم آوردن، پیغمبر فرمود به مسلمانها بگویید: اللَّهُ مَوْلَانَا وَ لَا مَوْلَى لَكُمْ؛ (۳) خدا مولای ما است، پشتیبان ما است، قدرت ما متکی به قدرت او است و شما ندارید این را؛ همین جور هم شد.

○ امکانات ما در جنگ نامتقارن با استکبار: اعتماد به خداوند و به عزم راسخ مؤمنین

الان ۳۷ سال، ۳۸ سال است که دارند از همه‌ی امکانات استفاده میکنند برای اینکه این رویش مبارک را، این جمهوری اسلامی را، این انقلاب مجسم را شکست بدهند و نتوانسته‌اند؛ اللَّهُ مَوْلَانَا. ملت ایران در صحنه است؛ به یک عده آدم‌های کنارنشسته‌ی نق‌زنِ غرزن یا پیرو شهوات نگاه نکنید؛ ملت در صحنه است، ملت در میدان است. در میان این ملت، زمره‌ی عظیمی حضور دارند که حاضرند جانشان را فدا کنند؛ این همان چیزی است که قدرت خدا را می‌آورد پشت سر انسان؛ این یعنی جنگ نامتقارن.

معنای جنگ نامتقارن این است که دو طرف جنگ از منابع مختلف الحالی، با هویت‌های

مختلف برخوردارند؛ این جنگ نامتقارن است؛ یعنی هر کدام از این دو طرف امکاناتی دارند، منابع قدرتی دارند که طرف دیگر آن را ندارد. ما با استکبار جهانی در حال جنگ نامتقارنیم؛ چرا؟ ممکن است او یک امکاناتی داشته باشد که ما نداشته باشیم اما ما هم امکاناتی داریم که او ندارد؛ آن امکان چیست؟ توکل، اعتماد به خدا، اعتماد به پیروزی نهایی، اعتماد به قدرت انسان، به قدرت اراده‌ی انسان مؤمن؛ این را ما داریم؛ این شد جنگ نامتقارن. در جنگ نامتقارن اراده‌ها هستند که با هم می‌جنگند؛ هر اراده‌ای غلبه پیدا کرد، پیروز خواهد شد. در میدان، اراده را ضعیف نکنید؛ در میدان نبرد، اراده را دچار تزلزل نکنید؛ اگر یک طرف جنگ در میدان نبرد اراده‌اش سست شد، قطعاً شکست خواهد خورد. نگذارید اراده‌تان سست بشود، نگذارید تبلیغات دشمن و وسوسه‌های دشمن، در اراده و عزم راسخ شما تزلزل ایجاد کند؛ این اراده‌ی مستحکم را نگه دارید؛ این ضامن پیروزی است.

● جهاد امروز ما، تبعیت نکردن از دشمن در میدانهای گوناگون

[امروز] جنگ نظامی مطرح نیست؛ امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا؛ (۴) در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان است؛ «بِه» یعنی به قرآن، «جِهْدُهُمْ بِهٖ» یعنی به وسیله‌ی قرآن با آنها جهاد کن؛ جِهَادًا كَبِيرًا. این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوانهای عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمانها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها میکردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه‌ی شریفه میگوید: وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا. آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. [فَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِيْنَ

و جِهْدُهُمْ بِه جِهَادًا كَبِيرًا؛ (۵) از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است: جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ میکند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه‌ی با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدانهای مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدانهای مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر».

● دستور خداوند به پیامبر: نافرمانی از کافران، عمل به برنامه‌ی اسلام، توکل

این تبعیت نکردن آن قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرر به آن توصیه میکند. آیه‌ی تکان‌دهنده‌ی اول سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * یٰۤاَیُّهَا النَّبِیُّ اَتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تُطِعِ الْکٰفِرِیْنَ؛ [میفرماید] «اَتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تُطِعِ الْکٰفِرِیْنَ»! پیغمبر! تقوا داشته باش و از کافران تبعیت نکن؛ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ عَلِیْمًا حَکِیْمًا، (۶) ما میدانیم مشکلات تو را، ما میدانیم فشارهایی که بر تو وارد میکنند تا تو را وادار به تبعیت کنند - تهدید میکنند، تطمیع میکنند - اما شما مراقب امر و نهی الهی باش، اَتَّقِ اللّٰهَ، حواست جمع باشد. وَ لَا تُطِعِ الْکٰفِرِیْنَ؛ این اطاعت نکردن از کافرین، آن چیز بزرگ و مهمی است که خدای متعال با این لحن با پیغمبرش حرف میزند.

خب، اطاعت از کافرین نکن، پس چه کار کن؟ وَ اَتَّبِعْ مَا یُوْحٰی اِلَیْکَ مِنْ رَّبِّکَ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ

بِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا. (۷) [میفرماید: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنْفِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا* وَأَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ (۸) از آنها تبعیت نکن؛ تو برنامه داری؛ تو برنامه‌ی کار داری، برنامه‌ی زندگی داری؛ وحی الهی تو را تنها نگذاشته است؛ قرآن در اختیار تو است، اسلام در اختیار تو است، برنامه‌ی اسلام در اختیار تو است؛ این راه را برو. ببینید اینها همه آیات اول سوره‌ی احزاب است؛ پشت سر هم؛ اول، اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنْفِقِينَ؛ (۹) بعد، وَأَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ؛ (۱۰) پشت سر [آن]، جواب این سؤال است که خب، خطر وجود دارد، فشار می‌آورند؛ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا؛ (۱۱) در مقابل همه‌ی این فشارها به خدا تکیه کن؛ به خدا تکیه کن. توکل معنایش این نیست که کار را رها کنی بنشینید تا خدا بیاید عوض شما کار را انجام بدهد؛ این نیست؛ توکل این است که شما راه بیفتید، عرق بریزید، تلاش کنید، آن وقت یقین داشته باشید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد؛ امروز مسئله‌ی جمهوری اسلامی این است.

○ علت اصلی مخالفت استکبار با جمهوری اسلامی: عدم تبعیت از جبهه‌ی کفر و استکبار

مسئله‌ی جمهوری اسلامی این است که دشمن مستکبر، در صدد به زانو در آوردن انقلاب است؛ با چه چیزی؟ با نفوذ دادن فرهنگ خود، با فشار اقتصادی خود، با انواع و اقسام تلاش‌های سیاسی خود، با گستره‌ی عظیم تبلیغات خود، و با عوامل خائنی که در اختیارش هستند، در صدد تکان دادن فضای جمهوری اسلامی است تا آن را به تبعیت بکشانند. آنچه استکبار را از جمهوری اسلامی بشدت غضبناک میکند، مسلمان بودن مردم ایران نیست؛ آن، عبارت است از اینکه مردم به خاطر این مسلمان بودن، حاضر نیستند زیر بار استکبار بروند؛ حاضر نیستند تبعیت کنند؛ این است که دشمن را غضبناک میکند. سعی میکنند

این رازیر پوشش‌هایی بی‌پوشانند اما واقعیت قضیه این است. مسئله‌ی هسته‌ای بهانه بود، حتی مسئله‌ی موشک‌ها - این قضیه‌ی موشک‌ها که راه انداخته‌اند، «موشک، موشک» که البته هیچ فایده‌ای هم ندارد و هیچ غلطی هم نمیتوانند بکنند - بهانه است؛ مسئله‌ی حقوق بشر، مسائل گوناگون دیگر، همه بهانه است. مسئله، عدم تبعیت است.

اگر جمهوری اسلامی حاضر بود تبعیت استکبار را قبول بکند، با موشکش هم میساختند، با انرژی هسته‌ای و انواع و اقسام چیزهایی که در این زمینه وجود دارد میساختند و اسم حقوق بشر را هم اصلاً نمی‌آوردند. جمهوری اسلامی، با تعلیم الهی، حاضر نیست از دشمن مستکبر کافر تبعیت بکند، از جبهه‌ی کفر و استکبار تبعیت بکند؛ این است علت اصلی؛ همه‌ی تلاششان [برای] این است.

البته سعی میکنند این را به زبان نیاورند اما گاهی اظهاراتشان آنها را لو میدهد. همین چند روز قبل از این، یک مسئول آمریکایی، اتهاماتی را که علیه جمهوری اسلامی هست ردیف کرد: موشک و چه و چه و «ایدئولوژی»! از دستشان در می‌رود؛ خودشان را لو میدهند. [این ایدئولوژی] یعنی تفکر؛ تفکر اسلامی که وادار میکند شما را که زیر بار دشمن کافر و جبهه‌ی کفر و استکبار نروید. این است که موجب دشمنی است، و همین است که موجب اقتدار شما است؛ همین است که موجب اقتدار شما است. این انگیزه است که ملت ایران را سرپا نگه داشته است؛ این انگیزه است که عزم را در ملت ایران نگه داشته است؛ ایستادگی. حفظ هویت انقلابی و اسلامی برای نظام جمهوری اسلامی و برای ملت ایران؛ این آن چیزی است که دشمن از آن بشدت شاک‌ی است؛ چاره‌ای هم ندارد. خیلی تلاش کردند بلکه بتوانند مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را به حیطة قدرت خودشان در بیاورند، [اما] نتوانستند و به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی نخواهند توانست.

○ لزوم قرار گرفتن «جهاد کبیر» در سرلوحه‌ی کارهای سپاه

شما پاسدار انقلابید، پاسدار انقلاب. البته همه‌ی ملت ایران پاسدار انقلابند یا باید باشند، اما شما سازمانی هستید که به این نام مفتخر و سربلند است: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. این جهاد کبیر را، شما باید سرلوحه‌ی کارتان قرار بدهید. امروز هم نسبت به سپاه، از همه بیشتر عصبانی هستند؛ در اسم‌هایی که می‌آورند، در فحاشی‌هایی که میکنند، در تهمتهایی که میزنند، از همه بیشتر، سپاه را آماج این بدگویی‌ها و این دروغ‌گویی‌ها قرار میدهند؛ علت این است که سپاه نشان داده که ایستاده است. این روحیه و این جهت‌گیری و این حالت را از دست ندهید.

○ دعوت از همه برای جهاد کبیر در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی

جوانهای عزیز! بچه‌های عزیز من! فردا مال شما است، آینده مال شما است؛ شما هستید که باید این تاریخ را با عزت‌ش محفوظ نگه دارید؛ شما هستید که این بار مسئولیت را بردوش دارید؛ خرمشهرها در پیش است؛ نه در میدان جنگ نظامی، [بلکه] در یک میدانی که از جنگ نظامی سخت‌تر است. البته ویرانی‌های جنگ نظامی را ندارد؛ بعکس، آبادانی به دنبال دارد، اما سختی‌اش بیشتر است. اینکه ما گفتیم اقتصاد مقاومتی، یعنی بخش اقتصادی این سیاست بزرگ و اساسی، مقاومت اقتصادی است. اینکه گفتیم جوانهای مؤمن و حزب‌اللّهی و انقلابی کارهای فرهنگی خودجوش را رها نکنند و دنبال نکنند، و همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی کشور را دعوت کردیم و میکنیم که در این جهت حرکت کنند، این، بخش فرهنگی این عدم تبعیت است، این جهاد بزرگ است، جهاد کبیر است. اینکه از همه‌ی استعدادهای موجود کشور دعوت میکنیم که استعدادهای خودشان را در خدمت پیشرفت این کشور به کار بیندازند و به صحنه بیاورند و به میدان بیاورند و از مسئولان دولتی و سایر

مسئولان دعوت میکنیم که از این استعدادها استقبال بکنند، این آن بخش فعال اجتماعی این جهاد کبیر است. این جهاد کبیر ابعادی دارد: جهدهم به جهادا کبیراً (۱۲)

○ لازمی جهاد کبیر: حفظ هویت اسلامی و هوشمندی و اخلاص

این به معنای قطع رابطه‌ی با دنیا نیست؛ بعضی‌ها برای اینکه این سیاست الهی را بکوبند، بدروغ میگویند «انقلابیون میگویند با دنیا قطع رابطه کنید»؛ نه، ما قائل به قطع رابطه‌ی با دنیا نیستیم، قائل به حصار کشیدن دور کشور هم نیستیم؛ رفت و آمد بکنند، رابطه داشته باشند، مبادله بکنند، دادوستد بکنند، اما هویت و شخصیت اصلی خودشان را از یاد نبرند؛ این حرف ما است: وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ (۱۳) مثل نماینده‌ی نظام اسلامی حرکت بکنند، مثل نماینده‌ی نظام اسلامی سخن بگویند. با همه، با هر جا که مصلحت کشور اقتضا میکند، قرارداد ببندید، اما مثل نماینده‌ی ایران اسلامی و نماینده‌ی اسلام پشت میز قرارداد بنشینید. همه هوشمندانه حرکت کنند؛ این جهاد هوشمندی لازم دارد، این جهاد اخلاص لازم دارد. این جهاد مثل جهاد نظامی نیست که کسانی در آنجا بدرخشند و چه شهیدشان، چه زنده‌شان و چه جانبازشان مثل قهرمان نشان داده بشوند - که ماها افتخار میکنیم به این شهدا و این جانبازان و ایثارگران - این جهاد جهادی است که ممکن است کسی خیلی هم زحمت بکشد، اما چهره‌ی او را هیچ کس نشناسد؛ اخلاص لازم دارد این جهاد.

○ امید دشمن به نفوذ و تغییر ذهنها

امروز، دشمن از اینکه بتواند به نظام اسلامی ضربه‌ی اساسی وارد کند ناامید است، چون میدانند در داخل به قدر کافی انگیزه و ایمان و صدق و آمادگی وجود دارد؛ لذا ناامیدند از اینکه بتوانند ضربه‌ی اساسی وارد کنند، اما ناامید نیستند از اینکه بتوانند نفوذ کنند. ابزارهای نفوذ هم امروز زیاد است.

سعی دارند جوان ایرانی را به شکلی بار بیاورند که خودشان می‌پسندند. اگر جوان ایرانی به شکل آمریکاپسند و استکبارپسند رشد کرد، آمریکا دیگر برای پیاده کردن نقشه‌های خود در ایران خرجی و هزینه‌ای نخواهد داشت؛ این جوان خودش مثل نوکر بی‌جیره و مواجب برای آنها کار خواهد کرد؛ می‌خواهند جوان ایرانی را این‌جوری بار بیاورند. چهار تا آدم بی‌هویت جوری حرف زدند و جوری عمل کردند که یک آمریکایی چند سال قبل آمد ایران و وقتی برگشت، گفت کسانی در ایران هستند که اسلحه دستشان است و منتظر دستور ما هستند که شلیک کنند! چهار تا آدم بی‌هویت را دیده بود، فریب خورده بود. مشکل بزرگ آمریکایی‌ها این است که کشور ما را نمی‌شناسند، مردم ما را نمی‌شناسند، نمیتوانند هم بشناسند. مشکل استکبار این است که بیشتر به ظاهر نگاه میکند؛ به رنگ و لعاب ظاهری نگاه میکند، [اما] باطن را نمیتواند ببیند. اقتدارش هم اقتدار ظاهری و اقتدار بر جسمها است؛ بر دلها نمیتواند آن‌چنان که مایل است اقتدار پیدا کند. اشتباه کردند. اما از نفوذ کردن ناامید نیستند؛ میخواهند نفوذ کنند، میخواهند دلها را تسخیر کنند، میخواهند ذهنها را تغییر بدهند.

○ لزوم تبیین روشنگری بین مجموعه‌ی خودی و حتی در قلمروهای وسیع‌تر

این یک وظیفه‌ی بزرگ بر دوش همه‌ی غمخواران ملت ایران و غمخواران کشور، از جمله شما جوانهای عزیز پاسدار و سازمان بزرگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قرار میدهد. کار شما فقط جنگیدن نیست؛ سپاه پاسداران، پاسدار انقلاب است. البته جنبه‌ی نظامی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مطلقاً نباید تضعیف بشود؛ همچنان که شایسته‌ی یک سازمان نظامی است، باید به بهترین وجه و در نوترین شکل و مبتکرانه‌ترین گونه‌ی کار ادامه داشته باشد؛ اما فقط این نیست. وظیفه‌ی تبیین، امروز بر دوش همه است؛ از جمله

بر دوش شما. اینکه بنده روی تبیین این همه تکیه میکنم، برای خاطر این است که امروز این جهاد کبیر به میزان زیادی متوقف به تبیین است؛ تبیین، بیان کردن، روشننگری؛ امروز روشننگری لازم است. سعی کنید ذهنها را با عمق یابی، به اعماق حقایق و مسائل برسانید. این دانشگاه شما میتواند کارهای بزرگی را در این زمینه انجام بدهد و میتواند تبیین را یکی از برنامه‌های اساسی خودش قرار بدهد؛ هم در بین مجموعه‌ی خودی، هم در قلمرو وسیع‌تری، تا آنجایی که امکاناتش اجازه بدهد.

○ از بخشهای جهاد کبیر، حفظ شعارهای انقلاب همراه با ژرف‌نگری

شعارهای انقلاب را باید حفظ کرد؛ این یکی از هدفهاست. یکی از کارهای بزرگ و [یکی] از بخشهای بزرگ این جهاد عظیم - جهاد بزرگ - عبارت است از حفظ شعارهای انقلاب. شعارها هدفها را نشان میدهند، شعارها راه را به ما نشان میدهند، شعارها مثل علامتهایی هستند که در راه میگذارند برای اینکه انسان راه را اشتباه نکند؛ *الْيَمِينُ وَالْيَسَارُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ*؛ (۱۴) به چپ و راست نغلتند، راه مستقیم و صراط مستقیم را بروند؛ هنر این شعارها این است، نقشش این است. در مورد این شعارها و حقایق هم فقط به احساسات اکتفا نشود. من البته برای احساسات نقش زیادی قائلم، برای عواطف نقش زیادی قائلم، اما کافی نیست؛ لازم است اما کافی نیست. عمق، تعمق و ژرف‌نگری در همه‌ی این شعارها باید وجود داشته باشد. سعی کنید در مسائل تعمق کنید؛ وقتی عمق یابی کردید، این ایمان مستقر با هیچ نیرویی از شما جدا نخواهد شد. مشکل اینهایی که می‌بینید یک روز تندتر از همه‌ی تندهایند و یک روز ۱۸۰ درجه به این طرف می‌غلتند، عمق نداشتن آن ایمان است. داشتیم ما؛ اوایل انقلاب بعضی‌ها بودند که آن چنان تند و آتشی بودند که انقلابی‌های اصلی و قدیمی و سابقه‌دار را هم قبول نداشتند و به آنها هم ایراد می‌گرفتند اما سطحی بودند؛ این سطحی بودن بالای جانشان شد، از این طرف ۱۸۰ درجه

غلتیدند؛ ممشایشان عوض شد. عمق و ژرفا [داشته باشید]؛ بروید در اعماق فکر و اندیشه و از راهنمایی استاد‌های صالح در این راه استفاده کنید.

○ توجه به کادر سازی و تبیین علمی تجربه‌های گذشته

کادر سازی یکی دیگر از کارها است. آینده مال شما است؛ در آینده شماها می‌توانید سهم بسزایی در به وجود آوردن و اهدا کردن کادرهای شایسته و صالح به نظام عمومی کشور و نظام مدیریت کشور داشته باشید. تجربه‌های متراکم انقلاب را، این تجربه‌های انبوه این ۳۷ سال را تدوین کنید؛ این یک کار علمی است، یک پژوهش علمی - تاریخی است. امروز ما احتیاج داریم به اینکه یک نگاهی به گذشته داشته باشیم؛ راه‌هایی که آمدیم، کارهایی که کردیم، کارهایی که کردند، تجربه‌هایی که از سر گذراندیم، این نشیب و فرازهای عجیب و غریبی که در سر راه بوده است و انقلاب توانسته خود را از این پیچ و واپیچ راه‌های گوناگون پیش برد به سمت اهداف و متوقف نشود، این احتیاج به تدوین دارد؛ این احتیاج به کار علمی دارد. دانشگاه شما دانشگاه متفاوتی است؛ البته این خطاب من فقط به دانشگاه شما نیست، به همه‌ی دانشگاه‌ها و به همه‌ی مراکز علمی و به حوزه‌های علمی است؛ اما خوب، دانشگاه امام حسین، دانشگاه امام حسین است! دانشگاه متفاوتی است؛ مسئولیت بیشتری بر عهده‌ی شما است.

○ اهمیت، تبیین درست و هوشمندانه بعنوان کار اساسی

یک نکته هم این است که تبیین را اساس کار بدانید. بنده می‌بینم گاهی اوقات یک جماعتی، یک افرادی، جوانهای احتمالاً صالح و مؤمنی با یک کسی مخالفند یا با یک جلسه‌ای مخالفند، بنا می‌کنند هیاهو کردن و جنجال کردن و شعار دادن؛ بنده با این کارها موافق نیستم. این هیچ فایده‌ای ندارد؛ این را من از قدیم به کسانی که در این کارها بودند، همواره سفارش کرده‌ام. اینکه بروند در یک مجلسی، چون فلان کس سخنرانی میکند که

شما مثلاً او را قبول ندارید - ممکن هم هست حق با شما باشد یا نباشد - برویم این مجلس را خراب کنیم، به هم بزنیم؛ نه، این هیچ فایده‌ای ندارد. فایده در تبیین است، فایده در کار درست است، در کار هوشمندانه است؛ اینها است که فایده دارد. گاهی اوقات بعضی‌ها از روی اغراضی این کارها را میکنند، به پای بچه‌های مؤمن و حزب‌اللّهی می‌اندازند؛ حواستان به این هم باشد.

○ رابطه‌ی دلها با خدا، پشتوانه‌ی همه‌ی اقدامات ما

آخرین مطلبی که عرض میکنم این است؛ همه‌ی آنچه گفتیم، همه‌ی آنچه باید بکنیم، همه‌ی آنچه توانایی‌های ما رسا (۱۵) برای انجام آن است، متوقف به این است که به خدای متعال تضرع کنیم، توجه کنیم، توسلاتمان را با خدا افزایش بدهیم. رابطه‌ی دلها با خدای متعال، آن رابطه‌ای است که اگر تأمین شد، پشتوانه‌ی هویت انقلابی و عزم و اراده‌ی ما است که خواهد توانست این زمینه‌ای را که بحث کردیم فراهم کند.

○ لزوم توجه جوانان به انس با قرآن، نماز با حضور قلب، و توسلات و

مناجات

جوانهای عزیز انس‌تان را با قرآن حفظ کنید؛ بحمدالله بین جوانهای ما حافظ قرآن زیاد است. به حفظ قرآن، تلاوت قرآن، تدبّر در قرآن، تأمل در آیات الهی [اهمیت بدهید]؛ به نماز توجه کنید، نماز خوب، نماز با توجه، نماز با احساس حضور در مقابل پروردگار. حضور قلب یعنی دل در هنگام نماز حاضر باشد، اینجا باشد. گاهی ما داریم نماز میخوانیم دل‌مان جای دیگر است؛ حضور قلب یعنی دل‌مان همین جا باشد، در سجاده‌مان باشد، متوجه نمازمان باشد، جای دیگر نباشد. این را شما جوانها تمرین کنید؛ ممکن است اول هم سخت باشد لکن تمرین کنید، آسان خواهد شد، عادت شما خواهد شد. اگر امروز تمرین کردید، همیشه به دردتان خواهد خورد؛ اگر در جوانی تمرین نکرده باشید، وقتی به سن امثال بنده

رسیدید، کار سخت خواهد شد. بانماز، باقرآن، باتوسلات، بادعاهای ماه شعبان، بامناجات شعبانیّه [انس بگیرید]. ماه رمضان در پیش است؛ باایام و لیالی مبارک ماه رمضان خودتان را تصفیه کنید، معطر کنید، نورانی کنید، ان شاءالله خواهید توانست همه‌ی این کارهای بزرگ را انجام بدهید.

یاد امام عزیزمان بخیر؛ رحمت خدا بر آن مرد بزرگ که این راه را به روی ما گشود و رحمت خدا بر شهیدان عزیز و درود بر خانواده‌های شهیدان و جانبازان.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

۱) در ابتدای این دیدار - که در محلّ دانشگاه امام حسین (علیه السلام) برگزار شد - سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری (فرمانده کلّ سپاه) و دریادار پاسدار مرتضی صفّاری (فرمانده دانشگاه) گزارشی ارائه کردند.

۲) سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۱۱؛ «چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، ولی کافران را سرپرست و [یاوری] نیست.»

۳) خصال، ج ۲، ص ۳۹۷ و ۳۹۸

۴) سوره‌ی فرقان، بخشی از آیه‌ی ۵۲؛ «... و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز.»
۵) همان

۶) سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۱

۷) سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲؛ «و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی میشود، پیروی کن که خدا همواره به آنچه میکنید، آگاه است.»

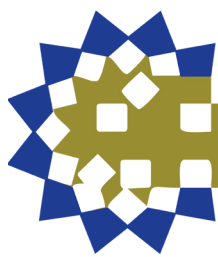
۸) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۲؛ «... به آنچه میکنید آگاه است.»

۹) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۱؛ «از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر...»

۱۰) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۲؛ «و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی میشود، پیروی کن...»

۱۱) سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳؛ «و بر خدا اعتماد کن، همین بس که خدا نگهبان [تو] است.»

- ۱۲) سوره‌ی فرقان، بخشی از آیه‌ی ۵۲؛ «... با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز.»
- ۱۳) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۳۹؛ «... واگر مؤمنید، شما برترید.»
- ۱۴) نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶ (باندکی تفاوت)



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

KHAMENEI.IR